



خبرنامه تابستان ۱۳۹۸ انجمن روان‌شناسی اجتماعی ایران



خبرنامه انجمن روان‌شناسی اجتماعی ایران

«تابستان ۱۳۹۸؛ شماره ۲۱»

نشانی دفتر یکم انجمن: تهران، خیابان کریم خان زند، نبش آبان شمالی، ساختمان علامه اتاق ۲۰۹

نشانی دفتر دوم انجمن: تهران، خیابان استاد نجات‌اللهی، نبش سپند، ساختمان آموزشی دانشگاه پیام‌نور

مرکز تهران جنوب، طبقه سوم، اتاق ۳۰۴

۸۸۸۰۷۵۸۹-۸۱۰۳۲۲۱۳

تلفن‌های تماس:

www.iranianasp.ir

وبسایت:

Info@iranianasp.ir

رایانامه:



آنچه در شماره تابستان می‌خوانید

- | | | |
|----|---|---|
| ۴ | گزیده‌ای از جلسات هیأت مدیره |  |
| ۵ | نشست شادکامی و نشاط اجتماعی برگزار می‌شود |  |
| ۶ | اطلاعیه پذیرش عضو فعال در کارگروه‌های انجمن |  |
| ۷ | انجمن روان‌شناسی اجتماعی ایران نماینده فعال می‌پذیرد |  |
| ۸ | پیشگامان روان‌شناسی اجتماعی (۷) |  |
| ۱۰ | مردم دشمن چیزی هستند که نمی‌دانند |  |
| ۱۴ | ذهن قطبی شده: بزرگ‌ترین تهدید امروز |  |
| ۱۹ | اسکن مغز تماشاگران فیلم؛ چگونه مردم را قضاوت می‌کنیم |  |
| ۲۱ | تحلیل پویانمایی کوتاه Dany boy از دیدگاه روان‌شناسی اجتماعی |  |
| ۲۶ | ماهنامه اینترنتی پروانه |  |
| ۲۷ | معرفی ابزار پژوهش: پرسشنامه واکنش روانی |  |
| ۲۹ | معرفی کتاب |  |
| ۳۴ | شماره جدید نشریه‌های انجمن |  |
| ۳۷ | شرایط عضویت در انجمن |  |
| ۳۸ | همکاری در تدوین خبرنامه |  |



مدیر مسئول: دکتر مجید صفاری‌نیا

سر دبیر: دکتر مجتبی دلیر

همکاران این شماره

Majid Saffarinia (Ph. D)

دکتر مجید صفاری‌نیا

Mojtaba Dalir (Ph. D)

دکتر مجتبی دلیر

Fatemeh Shandari Yeganeh

فاطمه اسکندری یگانه

Setaareh Jafari

ستاره جعفری

Shahla Zormand Bonab

شهلا زورمند بناب



گزیده‌ای از جلسات هیأت مدیره



- جلسات هیأت مدیره انجمن روان‌شناسی اجتماعی ایران به طور مرتب و حداقل هر ماه یک جلسه برگزار شده و از آغاز دوره جدید هیأت مدیره تعداد ۹ جلسه با حضور اکثریت اعضا داشته‌ایم. برخی از موارد مورد تصویب در جلسات اخیر را به استحضار می‌رساند.
- مقرر شد که مجلد فصلنامه انجمن صرفاً به تعداد ضرورت سازمانی چاپ شود.
 - سایت انجمن فعال و بهینه‌سازی شود.
 - بخش بین‌الملل انجمن فعال گردد.
 - با رأی‌گیری مخفی جناب آقای دکتر داوری به عنوان مدیر مسئول جدید فصلنامه انجمن انتخاب شدند.
 - جناب آقای ارسلان خان‌محمدی به عنوان نماینده انجمن پذیرفته شدند.
 - هزینه‌های کنگره پنجم بررسی شد و مورد تأیید بازرس و هیأت مدیره قرار گرفت.
 - مقرر گردید به شرط همکاری ستاد توسعه علوم و فناوری‌های شناختی کنگره ششم انجمن در بهار سال ۱۳۹۹ برگزار گردد.



نشست شادکامی و نشاط اجتماعی برگزار می‌شود



به گزارش روابط عمومی انجمن روان‌شناسی اجتماعی ایران نشست شادکامی و نشاط اجتماعی با همکاری پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و انجمن روان‌شناسی اجتماعی ایران در نیمه دوم تیرماه سال جاری برگزار خواهد شد.





اطلاعیه پذیرش عضو فعال در کارگروه‌های انجمن



بدینوسیله به اطلاع می‌رساند که در پی انعقاد تفاهم‌نامه همکاری مشترک میان انجمن روان‌شناسی اجتماعی ایران و پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات و همچنین ستاد توسعه علوم و فناوری‌های شناختی کارگروه‌های انجمن جهت همکاری عضو فعال می‌پذیرد. داوطلبان فعالیت باید حداقل دانشجوی کارشناسی ارشد در یکی از رشته‌های روان‌شناسی یا علوم شناختی و عضو پیوسته انجمن روان‌شناسی اجتماعی باشند. جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره زیر، روابط عمومی انجمن تماس بگیرید.

شماره تماس جهت هماهنگی ۸۱۰۳۲۲۱۳



خبرنامه تابستان ۱۳۹۸ انجمن روان‌شناسی اجتماعی ایران

انجمن روان‌شناسی اجتماعی ایران نماینده فعال می‌پذیرد



انجمن روان‌شناسی اجتماعی ایران در نظر دارد از میان روان‌شناسان دارای عضویت هیأت علمی با حداقل مرتبه استادیاری در سراسر کشور نماینده فعال بپذیرد. بدینوسیله از تمامی افراد علاقمند دارای شرایط فوق دعوت می‌شود تصویر مدارک زیر را از طریق رایانامه به دفتر دبیرخانه انجمن ارسال بفرمایند.

۱- آخرین مدرک تحصیلی

۲- حکم کارگزینی

۳- درخواست کتبی

۴- رزومه فردی

Info@iranianasp.ir

پیشگامان روان‌شناسی اجتماعی (۷)



لئون فستینگر

گروه خبرنامه انجمن روان‌شناسی اجتماعی ایران

لئون فستینگر (Leon Festinger، ۱۹۱۹ - ۱۹۸۹) یکی از پیشگامان روان‌شناسی اجتماعی، اهل ایالات متحده آمریکا بود. او در بروکلین نیویورک و در یک خانواده مهاجر روسی متولد شد. او در سال ۱۹۳۹ از کالج شهر نیویورک فارغ التحصیل گردید و سپس در دانشگاه آیووا و تحت سرپرستی کورت لوین مشغول به تحصیل شد و مدرک دکترای خود را در رشته روان‌شناسی کودک در سال ۱۹۴۲ دریافت نمود. در طول جلسه‌ای که برای لئون فستینگر به جهت انتصاب به عنوان استاد دانشگاه مینه‌سوتا ترتیب داده بودند، لئون فستینگر مطالعه معروف خود در اوک پارک را مطرح نمود که در آن یک فرقه که پایان دنیا را پیش‌بینی کرده بودند، مورد مطالعه قرار گرفته بودند. او در سال ۱۹۵۵ به دانشگاه استنفورد نقل مکان کرد و کار خود را در زمینه روان‌شناسی اجتماعی ادامه داد. لئون فستینگر به دلیل ابتلا به سرطان کبد در سن ۶۹ سالگی درگذشت.

نظریه ناهماهنگی شناختی او به موقعیتی اطلاق می‌شود که فرد با نگرش‌ها، عقاید و رفتارهای متضادی در خود مواجه می‌شود. این امر باعث احساس ناراحتی می‌شود که در نهایت به منظور کاهش ناراحتی و بازگرداندن تعادل و یا مواردی از این دست، تغییری در یکی از نگرش‌ها، باورها یا رفتارها شکل می‌گیرد. به عنوان مثال، وقتی افراد سیگار می‌کشند (رفتار) و در عین حال



می‌دانند که سیگار کشیدن باعث سرطان (شناخت) می‌شود، آنها در حالت ناهماهنگی شناختی قرار دارند. نظریه ناهماهنگی شناختی لئون فستینگر (۱۹۵۷) نشان می‌دهد که ما یک انگیزه درونی داریم که همه نگرش‌ها و رفتارهایمان را در هماهنگی و اجتناب از ناهماهنگی نگه می‌دارد. این به عنوان اصل هماهنگی شناختی مطرح شده است.

مقایسه اجتماعی فستینگر مطرح می‌کند که یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های ما انسان‌ها این است که دائماً خود را با افراد دیگر مقایسه کرده و بر اساس نتیجه این مقایسه، لذت یا رنج را تجربه می‌کنیم. ما می‌خواهیم خودمان را بهتر بشناسیم، به عنوان یکی از معیارهای مهم، خود را با دیگران مقایسه می‌کنیم و بر این اساس درباره خود به قضاوت می‌نشینیم. انسان همواره درگیر مقایسه است و به زبانی ساده، بیش از این که قد دوستان خود را بداند، می‌تواند بگوید که کدام دوستانش از او کوتاه‌قدرتر و کدام‌یک، بلندقدرتر هستند.

به هر حال، در زمان فستینگر هنوز روان‌شناسی اجتماعی، قدرت و جایگاه و پشتوانه علمی امروزی خود را پیدا نکرده بود و بسیاری از نظریه‌های این حوزه، بیشتر به تجربه و تحلیل تکیه داشتند تا روش علمی. همین تکیه نداشتن به اصول علمی و تحلیل‌های مبتنی بر تجربه، یکی از مهم‌ترین انتقادهایی بود که به فستینگر و کارهایش وارد می‌شد. اما مطالعات فستینگر می‌تواند درس‌های مختلفی به ما بدهد. او درباره دوقطبی شدن و سایر چالش‌های کار تیمی، دیدگاه‌های ارزشمندی دارد. در بحث زندگی شاد، او بهتر از هر کسی می‌تواند به ما بگوید که مقایسه با دیگران، در چه شرایطی می‌تواند آسیب‌زننده باشد و در چه شرایطی، اتفاقاً مفید و سازنده است. فستینگر با بحث ناهماهنگی شناختی به ما برای تصمیم‌گیری بهتر کمک می‌کند و به ما می‌آموزد که چگونه ممکن است به خاطر مقایسه خودمان با دیگران، هدف‌گذاری‌های نامناسبی انجام دهیم یا این که چطور ممکن است انگیزه و انرژی‌مان در مسیری که طی می‌کنیم کاهش یابد.



مردم دشمن چیزی هستند که نمی‌دانند



به قلم دکتر مجتبی دلیر

متخصص روان‌شناسی، عضو هیأت مدیره و دبیر انجمن روان‌شناسی اجتماعی ایران

نظرتان درباره آدم‌های تنبل چیست؟ همان‌هایی که جناب «بیل گیتس» برای کارهای سخت از ایشان کمک می‌گیرد! استقلالی‌ها چطور افرادی هستند؟ طرفداران تیم پرسپولیس چطور؟ در مورد این شعر کودکانه چه نظری دارید؟ «دختر موشن مثل خرگوشن! پسرا شیرن مثل شمشیرن!» آیا موافقید که مردان افرادی قوی، کارآمد، باثبات، خشن، با اعتماد به نفس و در عوض زنان افرادی گرم، هیجانی، مهربان، حساس و ضعیف هستند؟ آیا پیرمردها و زنان مُسن جذابند؟ به نظر شما همه‌جا خوب و بد دارد یا لُر‌ها اینجوری و کُردها اونجوری هستند؟ آذری، عرب، بختیاری، فارس و بلوچ چطور؟ به نظر شما مهم‌ترین ویژگی پزشکان، بازاری‌ها، معلمان، افراد نظامی، ورزشکاران، ستارگان سینما، قصاب‌ها، رانندگان اتوبوس، خلبانان، نوازندگان، فروشندگان، مهندسان، روحانیون، وکلا، مجریان تلویزیون و... چیست؟

اغلب ما درباره هریک از این دسته افراد نظراتی داریم که ممکن است با واقعیت منطبق نباشد. معمولاً درباره هر گروه می‌اندیشیم که صرفاً یک یا چند ویژگی برجسته مشترک بین آنها وجود دارد که همان است که ما از آن آگاهیم.



احتمالاً این داستان را شنیده‌اید که روزی مردی نزد روان‌شناسی می‌رود و روان‌شناس هر کاری که از دستش برمی‌آید برای درمان افسردگی او انجام می‌دهد اما افسردگی مرد درمان نمی‌شود. درنهایت روان‌شناس می‌گوید که مرد باید به دیدن برنامه سیرک شهر برود و نمایش دلچک بامزه سیرک را ببیند تا حالش خوب شود. اما مرد پاسخ می‌دهد که آن دلچک خودم هستم! در نگاه اول به نظر می‌رسد دلچک‌ها باید افراد شادی باشند پس چرا دلچک داستان ما از افسردگی رنج می‌برد؟! اجازه بدهید مثال دیگری بزنم. تا به حال شده که شاهد دعوای شدید دو نفر و سپس دوستی پایدار میان آنها باشید؟ چطور چنین چیزی ممکن است؟ دو نفری که از روی نفرت شدید با هم درگیر می‌شوند، بلافاصله پس از اختلاف به اتحاد می‌رسند! امیرالمومنین علی (ع) در یک جمله علت را بیان فرموده‌اند: «مردم دشمن چیزی هستند که نمی‌دانند!»

روان‌شناسان اجتماعی هم به زبان خود سخن مولی‌الموحدین را تأیید می‌کنند. چه جالب! ما با خیلی چیزها دشمنی می‌کنیم که اطلاع دقیقی درباره آنها نداریم؟! بله. چقدر هم در دشمنی خود حق به جانب هستیم! عجب! وقتی اطلاعات کاملی درباره چیزی نداریم از کجا می‌دانیم که بد است؟! اما به هر حال اصرار داریم که بد است! چقدر هم تصور می‌کنیم که منطقی هستیم! و حتی عاقلیم که این‌طور فکر می‌کنیم! ولی درواقع فکر می‌کنیم که فکر می‌کنیم! ما در عمل نمی‌خواهیم زحمت فکر کردن را بر خود هموار کنیم. اصولاً چنین تصوراتی از گرایش به صرفه‌جویی در فکر کردن ناشی می‌شود. در جهانی که مبتلا به نشانگان اضافه بار اطلاعات است، افراد ناگزیر از صرفه‌جویی شناختی هستند. تلویزیون، اینترنت، شبکه‌های اجتماعی، روزنامه، مجله و تمام رسانه‌های موجود در هر لحظه حجم بسیار عظیمی از اطلاعات را منتقل می‌کنند و در چنین فضایی فرد دچار اضافه بار اطلاعات درباره مسائل گوناگون می‌شود. مغز ما به‌طور طبیعی برای صرفه‌جویی در فعالیت شناختی بسیاری از اطلاعات را نادیده می‌گیرد که ممکن است اتفاقاً بسیار هم مهم باشند. بنابراین ما بدون این‌که اطلاعات درستی درمورد موضوعی داشته باشیم، درباره آن به نتیجه خاص خودمان می‌رسیم.



پس، اگرچه با این روش صرفه‌جویی کرده‌ایم اما دچار آسیب‌های ناخواسته هم شده‌ایم که خود از آن خبر نداریم. این آسیب‌ها زمانی خود را نشان می‌دهند که با مواردی برخورد می‌کنیم که مخالف باورهای ما درباره چیزی است. مثلاً وقتی می‌شنویم که فلانی می‌گوید داشتم نماز می‌خواندم که فلان اتفاق افتاد... ممکن است دچار ناهماهنگی شناختی شویم. یعنی دو شناخت ما درباره او مخالف هم شوند. شناخت اول ما براساس صرفه‌جویی شناختی و پیشداوری این بود که افرادی شبیه به او متدین نیستند و شناخت جدید ما این است که او نماز هم می‌خواند. در چنین شرایطی یا براساس پیشداوری و صرفه‌جویی شناختی عمل خواهیم کرد و به شناخت معیوب اول خود خواهیم چسبید و اطلاعات جدید را نادیده خواهیم گرفت. یا به‌طوری که در موارد معدودی رخ می‌دهد، ناهماهنگی شناختی مان را با تغییر نگرش مان نسبت به آن فرد و افراد شبیه به او حل خواهیم کرد. اما از آنجایی که راه دوم نیازمند صرف منابع و انرژی است اکثر افراد مسیر اول را می‌پیمایند و این گونه است که در جامعه با افراد بسیاری برخورد می‌کنیم که بدون این که اطلاعات کافی درمورد موضوعی داشته باشند، نظر قاطعی درباره امور دارند. مثلاً استقلالی هستند و به هیچ وجه با پرسپولیزی‌ها معاشرت نمی‌کنند. پرستاری را شغلی زنانه می‌دانند. از قومیت خاصی بد می‌گویند. کار همکار زن یا مرد خود را قبول ندارند. فکر می‌کنند هرکسی روان‌شناس خودش است! درواقع پیشداوری، تصورات قالبی، تعصب و قضاوت بدون جمع‌آوری اطلاعات کافی باعث می‌شود درباره دنیا، گروه‌ها و موضوعات مختلف اشتباه کنیم. گویا آسیبی بدتر از این وجود ندارد که فکر کنیم درست فکر می‌کنیم اما واقعیت این باشد که اشتباه فکر می‌کنیم.

اگر پیشداوری و تصورات قالبی این قدر آسیب‌زاست، چطور می‌توان آنها را تغییر داد؟ روان‌شناسان اجتماعی که بر یادگیری مشاهده‌ای تأکید دارند، معتقدند کودکان پیشداوری را از والدین و دیگران مهم خود و از طریق مشاهده رفتار ایشان فرامی‌گیرند. چون والدین منبع یادگیری این رفتارها هستند بنابراین یک راه برای کاهش پیشداوری ایجاد تغییر در والدین است. چون بیشتر والدین برای بهزیستی کودکان‌شان حاضر به انجام هرکاری هستند احتمال مؤثر واقع شدن این روش وجود دارد.

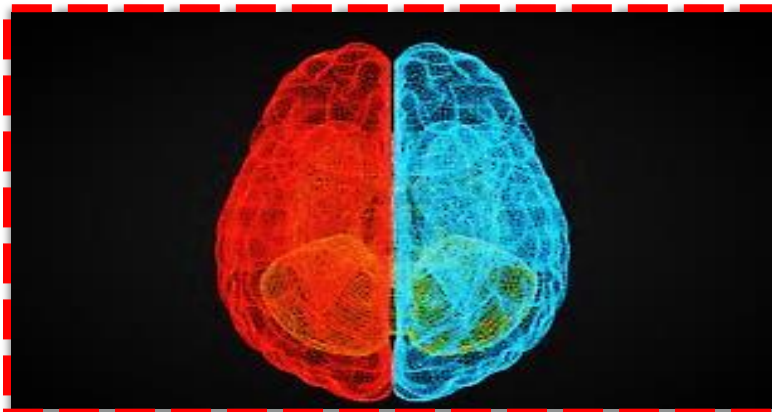


همچنین کسب اطلاعات درباره افراد گروه‌های دیگر، روش دیگری برای کاهش پیشداوری است. افزایش ارتباط و تماس با افراد سایر گروه‌ها می‌تواند منجر به شناخت بیشتر شباهت‌های موجود بین افراد دو گروه شود. فرض کنید یک پرسپولیسی دو آتشه و یک استقلال‌ی دو آتشه محکوم شوند که برای مدتی در یک سلول زندانی باشند. به مرور متوجه علایق مشترک‌شان خواهند شد. هر دوی آنها به فوتبال، هیجان بازی، تیم ملی، برنامه نود، جام جهانی و... علاقه دارند. آنها متوجه می‌شوند که وقتی تیم ملی ایران بازی دارد، هویت استقلال یا پرسپولیسی‌شان رنگ می‌بازد و اگر هر کدام از بازیکنان استقلال یا پرسپولیس یا هر تیم دیگری گل بزند، طرفداران هر دو تیم عمیقاً و بدون پیشداوری خوشحال خواهند شد.

گاهی هم با تغییر گروه خودی و غیرخودی پیشداوری خودبه‌خود از بین می‌رود. برای مثال نقل و انتقال بازیکنان فوتبال را در نظر بگیرید. یا مثلاً اگر فردی که در گروه کارمندان قرار دارد ارتقاء پیدا کند و در گروه رئیس‌ان قرار بگیرد پرواضح است که دیگر درباره گروه رئیس‌ان همانند قبل فکر نخواهد کرد. یا دانشجویی که همه اساتید را افرادی از خودراضی تصور می‌کند در صورتی که روزی استاد شود تصور خود از گروه اساتید را تغییر خواهد داد. به هر حال، هرچند نمی‌توانیم جلوی تمام پیشداوری‌ها، تصورات قالبی، تعصبات و قضاوت‌های عجولانه را بگیریم اما کسب شناخت و آگاهی درباره آنها می‌تواند ما را در ساخت روابط انسانی بهتر و داشتن شهروندانی با سلامت اجتماعی بیشتر یاری دهد.



ذهن قطبی شده: بزرگ‌ترین تهدید امروز



ترجمه فاطمه اسکندری یگانه

عضو انجمن روان‌شناسی اجتماعی ایران

برای بررسی این موضوع ما به بسیجی از «تمرین‌های ذهن‌آگاهی» و «گروه‌های گفتگو محور» در مقیاس یک برنامه کاری عمومی برای تمدن بشری نیازمند هستیم. همانطور که درگیری‌ها و کشمکش‌های میان جناح‌های چپ و راست، بومیان و غیربومیان، سفیدپوستان و رنگین‌پوستان و ... آشکار می‌سازد، بزرگ‌ترین تهدید امروز بشریت فراتر از تقسیمات سیاسی و مذهبی، عوامل اقتصادی و تشخیص‌های روان‌پزشکی است؛ جایی فراتر از تعارض‌های فرهنگی و حتی تخریب محیط زیست؛ با این حال، همه این موارد را نیز در بر می‌گیرد.

از آنجایی که روان‌شناسان به ریشه‌های روانی و اجتماعی تمایلات انسان به تخریب و ویران‌سازی علاقمندند و با توجه به پژوهش‌های تاریخی‌ای که به این موضوع اختصاص یافته؛ ما به این نتیجه رسیدیم که بیشتر آنچه را که شرارت انسانی (خبثت، بدکاری، ...) می‌نامیم، به نظر می‌رسد ناشی از اصلی با عنوان «ذهن قطبی شده» باشد. ذهن قطبی شده به این معناست که فرد بر یک دیدگاه مجرد و واحد تثبیت شده تا جایی که سایر دیدگاه‌های متفاوت و متضاد را به طور کلی کنار گذاشته و حذف می‌کند؛ و این موضوع تقریباً بیش از هر عامل دیگری باعث رنج و فلاکت انسان شده است.



ما (نویسندگان این مطلب) به عنوان دو فرد از دو تمدن بسیار متفاوت و گاهاً مخالف، آمریکا و ایران، نقطه نظر واحدی درباره ذهن قطبی شده داریم. اگرچه نظریه‌های تخریب انسانی زیادی بر تاریخ و آداب و رسوم منطقه‌ای دلالت دارند؛ ما موضوع ذهن قطبی شده را در موقعیت‌های گوناگون و گسترده فرهنگی، قومی و اقتصادی مورد پژوهش و مشاهده قرار داده‌ایم.

علاوه بر این ما بر سر این موضوع توافق کامل داریم که ذهن قطبی شده نه تنها برای بخش محدود و مجزایی از دنیا بلکه برای کل بشریت یک تهدید بزرگ و مهم محسوب می‌شود. به عنوان مثال مطالعات تجربه‌محور ما نشان داده است که ناآگاهی - شرایطی که فرد ادراک و واکنش‌پذیری محدودی دارد - یک ویژگی عمده و بین‌فرهنگی برای ذهن قطبی شده محسوب می‌شود؛ در حالیکه نظریه ذهن‌آگاهی لانگر - رویکردی در جهت افزایش آگاهی و حضور (توجه) - ویژگی اصلی ذهن غیر قطبی بوده و با ظرفیت و قابلیت اکتشاف، خلاقیت و بهزیستی در ارتباط است. این نظریه همچنین به ریشه دگرگونی‌های ادراک وابسته است اما این ادراک تا زمانی که به توازن برسد و تا حد امکان جایگزین ذهن قطبی شده نمی‌تواند رشد یابد.

پایه و اساس ذهن قطبی شده چیست؟ در حالیکه عوامل زیادی در این موضوع دخیل هستند، از شرطی‌شدن‌های خانوادگی و فرهنگی، کمبود منابع و دسترسی آسان به اسلحه گرفته تا زمینه‌های عصب‌روان‌شناختی؛ مخرج مشترک همه این عوامل به شکل اضطراب و ترس ظاهر می‌شود. همانطور که مجموعه‌ای از مطالعات نشان می‌دهد، افراد در مواجهه با درماندگی، اضطراب و ترس تمایل دارند تا به صورت قطبی - یعنی تثبیت شده و افراطی - عمل کنند.

این شرایط نه تنها باعث ایجاد حس حقارت در افراد می‌شود بلکه در نهایت - اگر احساس درماندگی، اضطراب و ترس به اندازه کافی قدرتمند باشد - همانقدر زندگی آنها در معرض خطر قرار می‌گیرد. نتیجه اینکه انسان‌ها برای دوری و اجتناب از چنین اضطراب‌کشنده‌ای همه تلاش خود را می‌کنند؛ از جمله استفاده از روش‌های خشونت‌آمیز و ظالمانه برای دفاع از خود.

بدین ترتیب ذهن قطبی شده به گستره‌ای از رفتارهای افراطی مربوط می‌شود، از خودکامگی و نژادپرستی و بیگانه‌هراسی گرفته تا وسوسه قدرت و سلطه‌گری. نمونه چنین رویدادهایی در



تاریخ یافت می‌شود: هر زمان افراد در معرض آسیب‌های فردی یا جمعی قرار گیرند، مانند جنگ، رکود اقتصادی و تغییرات شخصی یا فرهنگی؛ و نتوانند حمایت‌های اجتماعی و روانی لازم برای رسیدگی به این تحولات را بدست آورند، احتمالاً ذهن قطبی شده بر آنها مستولی می‌گردد.

امروزه با یکی از قطبی‌شده‌ترین حالت‌های جهان رو به رو هستیم چنانکه طی دهه‌ها حکومت استبداد احیا شده و ما دوباره با چالش مواجه شده‌ایم: اینکه آیا سرمان را مثل کبک در برف فرو کرده و نسبت به آسیب‌ها و توهین‌هایی که ما را به تفرقه می‌کشاند بی‌توجه می‌مانیم؟ یا به بررسی یافته‌های روانی، معنوی و فلسفی که به سختی به‌دست آمده‌اند خواهیم پرداخت و با زخم‌هایی که ما را احاطه کرده‌اند مقابله خواهیم نمود؟

از نقطه نظر ما پژوهشگران، تردیدی نیست که راه دوم ارجح است و بواسطه گفتگوی گسترده و آگاهانه شاهد فرصت و گشایشی خواهیم بود. در حال حاضر جنبش‌های مردمی در این راستا شکل گرفته و ما تبادلات شخصی‌مان را به عنوان جنبه‌ای از آنها می‌بینیم؛ اما در مقیاس بزرگتر فرصت‌های رو به رشدی برای تبادلات معنادار بین فرهنگی و برای برخوردها و روابط مؤثر میان فردی، وجود دارد.

گروه «فرشتگان برتر» یکی از این فرصت‌هاست که دکتر کرک اشنایدر (از نویسندگان این مطلب) عضوی از این گروه است. فرشتگان برتر در حال حاضر در چندین ایالت از ایالات متحده فعال است و صدها کارگاه را برگزار کرده است. این کارگاه‌ها شامل گفتگوهای ساختاریافته‌ای به سبک اتاق نشیمن بین افرادی است که از جنبه‌های مختلف (در طیف وسیعی از زمینه‌ها) خود را آزادی‌خواه یا محافظه‌کار می‌دانند.

راه‌حل کلیدی در اینجا همان توجه و آگاهی (ذهن آگاهی) است که پیش‌تر به آن اشاره کردیم؛ به حدی که طرفین تعامل می‌توانند با صراحت، کنجکاو و احترام به یکدیگر نزدیک شوند و بیشتر احتمال دارد که به ثمره ارتباطات خود دست یابند؛ یعنی از ذهنی که قبلاً قطبی شده آگاه شوند و زمینه‌های مشترک با آن را پیدا کنند.



مبادا این اظهارات و پیشنهادات امیدی واهی و دور از دسترس به نظر برسد؛ نباید که چنین باشد. در واقع ما خواستار بسیجی از چنین تمرین‌های ذهن‌آگاهی و گروه‌های گفتگو محور در مقیاس یک برنامه کاری عمومی برای تمدن بشری هستیم. ما وضعیت را اضطراری می‌بینیم و اگر بودجه نظامی و رفاه جمعی برای برخی کشورها اولویت اصلی و متداول است، پس مطمئناً موضوع مهمی چون تمدن بشری و دست یافتن به اشکال جدیدی از همزیستی مسالمت‌آمیز می‌تواند و باید اولیویتی برابر داشته باشد. این همان چیزی است که برایش تلاش می‌کنیم و اصرار داریم جهانیان به آن پیوندند.

درباره نویسندگان

دکتر کرک جی. شنایدر (Kirk Schneider) رئیس سابق بخش روان‌شناسی انسان‌گرایی انجمن روان‌شناسی آمریکا و عضو هیئت علمی دانشگاه سایبروک و دانشگاه کلمبیاست. وی نویسنده مقاله ذهن قطبی شده و یکی از اعضای گروه فرشتگان برتر در آمریکا است.

دکتر سید محسن فاطمی تحصیلات فوق دکتری خود را در بخش روان‌شناسی دانشگاه هاروارد به پایان رساند جایی که به عنوان استاد، همکار و دستیار فعالیت می‌کند. او همچنین در ایران دانشیار روان‌شناسی و رئیس میز کار آمریکای شمالی در دانشگاه فردوسی است.

منبع:

<https://blogs.scientificamerican.com/observations/todays-biggest-threat-the-polarized-mind/?previewid=FBAEF75B-F2E4-4D91-B88B353A4E17BD2F>

Scientific American (informally abbreviated SciAm or sometimes SA) is an American popular science magazine. Many famous scientists, including Albert Einstein, have contributed articles to it. It is the oldest continuously published monthly magazine in the United States (though it only became monthly in 1921).



خبرنامه تابستان ۱۳۹۸ انجمن روان‌شناسی اجتماعی ایران

انجمن روان‌شناسی اجتماعی ایران



IRANIAN ASSOCIATION OF SOCIAL PSYCHOLOGY

اسکن مغز تماشاگران فیلم؛ چگونه مردم را قضاوت می‌کنیم



ترجمه ستاره جعفری

عضو انجمن روان‌شناسی اجتماعی ایران

پژوهشگران از اسکن مغزی برای آشکار ساختن سوگیری‌های افراد نسبت به افرادی که شبیه آنها هستند، حتی وقتی نمی‌دانند آنها شبیه هم هستند، استفاده کردند. میزان بالای گزارش از سراسر جهان نشان می‌دهد که به‌تازگی پژوهش درباره «سوگیری ناهشیار» به موضوع داغی تبدیل شده است. پژوهشگران دانشگاه آلتو در حال بررسی علل این سوگیری‌ها در مدارهای عصبی ما هستند. همچنین در حال توسعه دادن فوننی با استفاده از اسکن‌های «ام آر آی» هستند که ما را قادر می‌سازند تا فرضیاتی را که مغز در زمان واقعی می‌سازد بررسی کنیم.

برای اولین بار نتایج نشان می‌دهد که مغز ما نه تنها به طور ناهشیار نسبت به افراد بر اساس ظاهر ایشان سوگیری دارد، بلکه همچنین بر اساس آنچه درباره آنها می‌دانیم هم دچار سوگیری می‌شود. افراد به طور طبیعی نسبت به افراد دیگری که شبیه ایشان هستند سوگیری دارند - یک ویژگی رفتاری که دانشمندان آن را «جانبداری درون - گروهی» می‌نامند. اما عکس این رفتار نیز وجود دارد، یعنی افرادی که سوگیری نسبت به افرادی دارند که شبیه آنها نیستند، که «منفی‌نگری برون - گروهی» نام دارد. ممدوح افضل فیلم‌سازی که در مقطع دکتری رشته علوم اعصاب و رسانه در دانشگاه آلتو مشغول به تحصیل است، تصمیم گرفت تا از هنر سینما برای بررسی این موضوع استفاده کند. افضل برای ساختن فیلم بیست دقیقه‌ای خود از یک «کشیش» استفاده کرد و این سوگیری‌ها را در دو گروه از مردان همجنس‌گرا و دگرجنس‌گرا بررسی نمود. افضل توضیح می‌دهد که اگر دانش به دست آمده از محیط اجتماعی‌مان بتواند به شکل ضمنی چگونگی ادراک ما از یکدیگر را دچار سوگیری کند، این امر به همین صورت در مورد شخصیت‌های فیلم‌ها نیز



می‌تواند درست باشد. برای بررسی اینکه آیا تماشای فیلم به طور ناهشیار تماشاگران را دچار سوگیری می‌کند، افضل تصویر چهره شخصیت اصلی فیلم را به طور مکرر طی چهل میلی ثانیه قبل و بعد از نمایش فیلم نمایش داد. حتی با وجود اینکه تماشاگر قادر به تشخیص چهره نشان داده شده نبود، (زمان نمایش چهره بسیار کمتر از آن بود که بتواند شخص را تشخیص دهد) مغز ناهشیار او به چهره نمایش داده شده بر اساس اینکه دچار سوگیری شده بود یا نشده بود پاسخ داد. پژوهشگران با استفاده از «ام آر آی» توانستند کشف کنند که سوگیری افراد چگونه می‌تواند تغییر کند. در ابتدای فیلم بیننده احساس می‌کند که کشیش به جنس مخالف تمایل دارد اما بعد از گذشت ۱۰ دقیقه متوجه می‌شود که کشیش در واقع عاشق مرد دیگری است. گروه‌هایی که این فیلم را تماشا می‌کردند شامل ۱۴ مرد هم‌جنس‌گرا و ۱۵ مرد دگرجنس‌گرا بودند. پژوهشگران، میزان سوگیری احساس شده هر گروه نسبت به شخصیت کشیش را وقتی که فکر می‌کردند او دگرجنس‌گراست و بعد وقتی که می‌فهمیدند هم‌جنس‌گراست اندازه‌گیری کردند. پاسخ ناهشیار به چهره شخصیت اصلی بعد از دیدن فیلم با قبل از دیدن آن بین این دو گروه به طور معناداری متفاوت بود، و این نتیجه متقارن نبود. گروه دگرجنس‌گرا پاسخ سوگیرانه بسیار خفیف منفی نشان دادند و جالب است که افراد گروه هم‌جنس‌گرا پاسخ بسیار قوی را در مناطق مغزی مرتبط با درون-گروه، مانند: همدلی و جانبداری نشان دادند. این نتایج برای درک ما از سوگیری ناهشیار جالب هستند؛ زیرا نشان می‌دهند که مغز به صورت سوگیرانه نسبت به ویژگی‌هایی که با استفاده از حواس اصلی مان تشخیص داده است پاسخ می‌دهد. ممدوح افضل توضیح می‌دهد که نتایج این مطالعه نشان داد که مغز نه تنها به وسیله عوامل خارجی، بلکه می‌تواند براساس دانش اکتسابی نیز سوگیری نشان دهد. در حال حاضر با ترکیب کردن فیلم‌ها و اندازه‌گیری زیر آستانه‌ای می‌توانیم مغز ناهشیار را به روش‌هایی که پیش از این بسیار سخت بودند بررسی کنیم.

منبع:

Mamdooh Afdile, Iiro P Jääskeläinen, Enrico Glerean, Dmitry Smirnov, Jussi Alho, Anna Äimälä, Mikko Sams. Contextual knowledge provided by a movie biases implicit perception of the protagonist. Social Cognitive and Affective Neuroscience, 2019; DOI: 10.1093/scan/nsz028

تحلیل پویانمایی کوتاه Dany boy

از دیدگاه روان‌شناسی اجتماعی



شهلا زورمند بناب

عضو انجمن روان‌شناسی اجتماعی ایران

این فیلم به کارگردانی و نویسندگی مارک اسکرو بتسکی (محصول سال ۲۰۱۰)، داستان شهر انسان‌های بی‌سر را روایت می‌کند. آنها سری برای اندیشیدن ندارند، برای همین می‌بینیم که تصادف و مرگ و دزدی امری پیش پا افتاده در شهر است. و هیچ حادثه‌ای چندان ناگوار نیست که خاطر کسانی را مشوش کند. این مردم نه می‌بینند نه می‌شنوند نه فکر می‌کنند. نسبت به مرگ یکدیگر بعد از تصادف‌ها یا تیراندازی سارق بی‌تفاوت هستند. اما اتفاقات خوب هم مثل بازی کردن و لی لی کردن کودک در شهر در جریان است. ولی مردم به هیچ‌کدام از این اتفاقات بد و خوب توجهی ندارند و بی‌تفاوت هستند.

در این داستان فردی متفاوت هم داریم که قهرمان داستان ماست. او تنها کسی است که سر دارد، می‌بیند، می‌شنود، فکر می‌کند و مهم‌تر از همه او تنها کسی است که از تصادم‌ها و برخوردها قبل از وقوع آن، آگاهانه پرهیز می‌کند. آیا به نظر شما آن یک نفر عجیب خواهد بود؟ پاسخ مثبت است. در میان اکثریتی که نقاط مشترکی دارند یک نفر متفاوت است. کارگردان او را مانند ما طبیعی جلوه می‌دهد. بنابراین ما با او، نه با اکثریت همزادپنداری می‌کنیم. زیرا آن یک



نفر شبیه ماست و اکثریت شبیه ما نیستند. همزادپنداری ما با آن یک نفر موجب غفلت ما از درک طبیعی بودن رفتار پیچیده اکثریت می‌شود. در حالیکه در این شهر این اکثریت هستند که طبیعی هستند و فقط فردی که سر دارد با آنها متفاوت است و وصله ناجور این شهر است.

قهرمان داستان ناگزیر عاشق می‌شود، اما زن وقتی با او برخورد می‌کند با لمس او متوجه می‌شود، که او متفاوت است و برای همین تفاوت از او فرار می‌کند و قهرمان داستان باز هم تنها می‌شود. اما این عشق چنان در او رخنه کرده بود که در نهایت سرش را با گیوتین می‌زند. نکته قابل توجه این است که تا قبل از این عشق قهرمان گیوتین را داشته اما انگیزه کافی را نه. او با نگاهی پُر از اندوه برای آخرین بار بیرون را تماشا می‌کند و سپس سرش را می‌زند. به نظر نگارنده این سطور آهنگ و اوج داستان از همین لحظه شروع می‌شود.



فروید در کتاب تمدن و ملالت‌های آن، بر این باور است که رنج از سه جهت ما را تهدید می‌کند: یکی از سمت جسم خودمان که محکوم به اضمحلال است. دیگر از طرف جهان بیرون که با نیرویی چیره و بی‌رحم ما را مورد حمله قرار می‌دهد. و سرانجام از طرف رابطه‌مان با دیگران. در دو مورد اول بشر هیچ راه گریزی ندارد. اما مورد سوم اضافه‌ای است که آدمی خودش می‌افزاید و می‌توان آن را حذف کرد. اما فروید با همه اصرارش بر ناخشنودی‌های تمدن، آدمی را محکوم به زندگی اجتماعی می‌داند. سال‌ها قبل از این اظهار نظر فروید و به دنبال تعریفی



که ارسطو از انسان داشت و او را حیوان ناطق می‌نامید، اندیشمندان مختلف تعریفی دیگر برای انسان برگزیدند: انسان حیوانی اجتماعی است. یکی از پیامدهای این واقعیت این است که انسان همواره بین ارزش‌های مربوط به فردیت و ارزش‌های اجتماعی در حالتی از تنش به سر می‌برد. همرنگی با جماعت از جمله تبعات زندگی اجتماعی است. و فی‌نفسه امری است خنثی و دارای بار ارزشی مثبت یا منفی نیست. اما با توجه به اینکه این تبعیت غالباً بدون تأمل و از روی احساسات صورت می‌گیرد ما بیشتر به جنبه منفی این مفهوم توجه می‌کنیم.

ما به دلایل مختلفی همرنگی می‌کنیم اما آنچه که بیشتر ما را ترغیب به این کار می‌کند این است که ما نمی‌خواهیم بخاطر متفاوت عمل کردن مورد تمسخر و تنبیه قرار بگیریم. و از آن مهم‌تر این است که ما می‌خواهیم درک شویم، فهمیده شویم، مورد توجه و محبت قرار بگیریم و مورد بی‌توجهی کسانی که دوستشان داریم قرار نگیریم.

همانطور که در فیلم می‌بینیم، قهرمان داستان تا قبل از علاقمند شدن به یکی از افراد بی‌سر، با اینکه گیوتین داشت، تصمیمی برای جدا کردن سر از بدنش نداشت. و چیزی که محرک او برای این کار شد، فرار از تنهایی و رسیدن به عشق است.

تلاش برای تاثیرگذاری بر فکر، احساس، و رفتار از ویژگی‌های فطری هر انسانی است. با این وجود، انسان به دلیل غریزه حب نفس، برای هویت و استقلال خویش اهمیت قایل است و به آسانی تسلیم نظر جمع نمی‌شود؛ او علاقمند است که مهار سرنوشت خود را در اختیار داشته باشد. حال آن که همرنگی با اجتماع بطور کنایه‌آمیزی به این معنا است که فرد رفتارش را به اراده خویش انتخاب نکرده و باعث محدود شدن احساس هویت و تعلق در او می‌شود.

به نظر می‌رسد ما مجبوریم به همرنگی کردن با دیگران، یعنی اگر فرصتی برای اظهارنظر برای ما فراهم شود بدون اینکه پیامد منفی برای ما داشته باشد، ما دوباره به اصل خود یعنی تلاش برای رسیدن به احساس هویت، خودمختاری، و منحصر به فرد بودن برمی‌گردیم.

دقیقاً همان اتفاقی که در آخر فیلم برای قهرمان داستان می‌افتد: آسمان تیره، و منفجر شدن یکی از برج‌ها (که می‌تواند نمادی از فاجعه ۱۱ سپتامبر باشد که بعد از آن جهان وارد پارادایم جدیدی



شد) نشان از این است که قهرمان داستان بعد از هم‌رنگی وارد دنیای جدیدی می‌شود که مطابق تمایلات و خواسته‌های درونی خود فرد نیست. نکته مهمی که نظر نگارنده را خیلی به خود جلب کرد حرکتی بود که قهرمان داستان در آخر فیلم از خود نشان داد که شبیه حرکت چارلی چاپلین بازیگر معروف بود. چارلی چاپلین فردی بود که با بازی وقایع دردناک به شکل کمدی، مردم را می‌خنداند، اما خود همیشه از درون بابت این مشکلات ناراحت بود. شاید منظور کارگردان از این قسمت این است که افرادی که به هر دلیلی وارد عشق و دوستی می‌شوند تا با همنوایی از تنبیه فرار کنند شبیه جمع می‌شوند و لزوماً از درون افراد شادی نیستند و این امر می‌تواند به این دلیل باشد که غریزه حب نفس آنها در هم‌رنگی اجتماعی نادیده گرفته می‌شود و ما دیگر خودمان، احساس مان، و افکارمان نیستیم.



نکته آخر: خیلی‌ها هم‌رنگ جماعت می‌شوند. حتی اگر جامعه ناقص باشد آنها برای تنها نبودن قید کامل بودن را می‌زنند. این روزها کمتر حرف می‌زنیم. کمتر می‌خندیم. کمتر عشق می‌ورزیم. کمتر فکر می‌کنیم. همه شبیه هم هستیم. قید انسان بودن را می‌زنیم بخاطر اینکه بقیه انسان نیستند. «بیا زنده بمانیم، حتی به قیمت مرگ . . .»



خبرنامه تابستان ۱۳۹۸ انجمن روان‌شناسی اجتماعی ایران

www.iranianasp.ir



نشانی وبسایت رسمی انجمن روان‌شناسی اجتماعی ایران



ماهنامه اینترنتی پروانه



چهارمین شماره ماهنامه روان‌شناسی کودک و خانواده پروانه با بخش‌های زیر منتشر شد:

لج‌باز: که درباره لجبازی کودکان و نوجوانان و علت‌ها و راهکارهای لازم در این زمینه است.

خشمگین: از یک هیجان خاکستری نوشتیم و پیامی از سمت کودکان به والدین داریم با این عنوان که من بد نیستم، فقط عصبانی‌ام.

پرخاشگر: به پشت پرده خشونت نوجوانان رفتیم و از راه‌حل‌هایی گفتیم که می‌توانند احساس خشم را کاهش دهند.

خود آسیب‌زن: ممکن است این بخش از ماهنامه کمی تلخ به نظر برسد اما به والدین در مراقبت از نوجوانان کمک موثری می‌کند.

فیلم‌چین و کتاب‌چین: از فیلم بازگشت مری به پاییز نوشتیم و پای گلایه‌های یک کتاب‌فروش نشستیم.

برای مطالعه ماهنامه روان‌شناسی کودک و خانواده پروانه که دومین سه‌شنبه هر ماه در اپلیکیشن کوزه منتشر می‌شود می‌توانید از طریق لینک زیر اقدام نمایید.

<http://koozeh.ir/issues.aspx?ID=1050>

معرفی ابزار پژوهش



پرسشنامه واکنش روانی

هانگ و فادا (۱۹۹۶) هنجاریابی صفاری‌نیا (۱۳۹۵)

پرسشنامه واکنش روانی توسط هانگ و فادا (۱۹۹۶) طراحی شده و مشتمل بر ۱۴ گویه و چهار خرده مقیاس واکنش در برابر تسلیم، مقاومت در برابر نفوذ دیگران، واکنش در برابر نصیحت و توصیه و پاسخ هیجانی در برابر محدودیت انتخاب است. این پرسشنامه در پژوهش صفاری‌نیا (۱۳۹۴) ابتدا به زبان فارسی ترجمه و سپس نسخه ترجمه شده فارسی به انگلیسی برگردانده شد. پس از آن، قابل فهم و رسا بودن متن توسط اساتید روان‌شناسی مورد بررسی قرار گرفت و بر روی ۴۷۰ زن و مرد شهر تهران اجرا شد.

نمره‌گذاری

این پرسشنامه که از نوع مداد- کاغذی و خودگزارش‌دهی است، مشتمل بر ۱۴ گویه می‌باشد. گویه‌های ۱، ۲، ۳، ۱۴ خرده‌مقیاس واکنش در برابر تسلیم، گویه‌های ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳ خرده‌مقیاس مقاومت در برابر نفوذ دیگران، گویه‌های ۵، ۹ خرده‌مقیاس واکنش در برابر نصیحت و توصیه و گویه‌های ۴، ۶، ۷، ۸ خرده‌مقیاس پاسخ هیجانی در برابر محدودیت انتخاب را اندازه می‌گیرند. گویه‌ها در طیف لیکرت پنج درجه‌ای (کاملاً مخالفم = ۱ تا کاملاً موافقم = ۵) نمره‌گذاری می‌شوند. بنابراین، حداقل و حداکثر نمره برابر با ۱۴ و ۷۰ خواهد بود.

پایایی و روایی

در پژوهش صفاری‌نیا (۱۳۹۴) پایایی پرسشنامه با استفاده از روش آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه برابر با ۰/۸۱ به دست آمد که میزان رضایت‌بخشی است. همچنین، نتایج پژوهش جهت



تعیین روایی محتوایی با استفاده از نظر متخصصان حاکی از روایی محتوایی پرسشنامه و نتایج تحلیل عاملی تأییدی نشان‌دهنده برازش خوب مدل در تعیین عامل‌ها به شکل اولیه بیان شده توسط هانگ و فادا (۱۹۹۶) بود. به علاوه، یافته‌های مربوط به هنجارسازی نشان داد که میانه نمرات واکنش در برابر تسلیم، مقاومت در برابر نفوذ دیگران، واکنش در برابر نصیحت و توصیه و پاسخ هیجانی در برابر محدودیت انتخاب در آزمودنی‌های پژوهش برابر با ۱۳٫۵، ۱۰، ۶، و ۱۰ می‌باشد.

نمونه پرسشنامه

- ۱- قوانین و مقررات حس مقاومت کردن را در من برمی‌انگیزند.
- ۲- من با آنچه برای دیگران تحریک‌کننده است مخالفت می‌کنم.
- ۳- معمولاً فکر می‌کنم آنچه که ممنوع می‌شود دقیقاً همان چیزی است که می‌خواهم انجام دهم.
- ۴- فکر کردن به وابستگی به دیگران مرا عصبی می‌کند.
- ۵- نصیحت شدن از جانب دیگران برای من نوعی دخالت تلقی می‌شود.
- ۶- زمانی که نمی‌توانم آزادانه و مستقل تصمیم بگیرم، احساس ناکامی می‌کنم.
- ۷- هنگامی که کسی به چیزهایی اشاره می‌کند که برای من کاملاً مشخص است، خشمگین می‌شوم.
- ۸- زمانی که آزادی انتخاب من محدود شود، عصبانی می‌شوم.
- ۹- نصیحت و توصیه معمولاً مرا وادار می‌کند که خلاف آن عمل کنم.
- ۱۰- تنها هنگامی راضی و خشنودم که به میل و اراده شخصی خود عمل می‌کنم.
- ۱۱- در برابر تلاش دیگران برای نفوذ کردن در خود مقاومت می‌کنم.
- ۱۲- هنگامی که فرد دیگری به عنوان الگوی نقشی معرفی می‌شود که باید از آن تبعیت کنم عصبانی می‌شوم.
- ۱۳- هنگامی که کسی مرا به انجام کاری مجبور می‌کند، احساس می‌کنم دوست دارم خلاف آن را انجام دهم.
- ۱۴- تسلیم شدن دیگران در برابر معیارها و قوانین جامعه مرا ناامید می‌کند.

منبع:

<http://drsaffarinia.com>

معرفی کتاب (۱)



عنوان: شناخت اجتماعی و آموزش تعامل (راهنمای درمانگر)

نویسندگان: دیوید ل. رابرتس، دیوید ل. پن، دنیس ر. کامبس

مترجمان: دکتر سوسن علیزاده فرد، دکتر حسین زارع

انتشارات: ارجمند

سال نشر: ۱۳۹۸



درباره کتاب:

انسان موجودی اجتماعی بوده، و به ارتباط و تعامل با دیگران نیازمند است. برای یک تعامل مناسب، لازم است تا اطلاعات متفاوت را به دست آورده، جمع‌بندی و ترکیب نماییم. این فرایندهای پیچیده، شیوه تعامل ما را مشخص نموده و شناخت اجتماعی را تشکیل می‌دهند. هرگونه نقص یا بدکارکردی در شناخت اجتماعی، موجب اختلال در رفتار اجتماعی خواهد شد. در این کتاب علاوه بر آشنایی با مفاهیم و نظریات اصلی شناخت اجتماعی، با روش درمانی جدید SCIT آشنا خواهید شد که در جهت اصلاح تعاملات اجتماعی معیوب یا نادرست طراحی شده است. کتاب حاضر در سیزده فصل مبانی شناخت اجتماعی، و روش درمانی-آموزشی SCIT را با بیانی روشن و روان معرفی می‌کند. در ابتدا مبانی نظری طرح شده و در ادامه نیز مراحل آموزش با جزئیات و به صورت قدم‌به‌قدم جلسات بیان شده است، که درمانگران را قادر می‌سازد تا با اطمینان، این برنامه آموزشی و درمانی را به اجرا درآورند. مطالعه این کتاب را به تمامی درمانگران و متخصصان حوزه سلامت روان توصیه می‌نمایم.





معرفی کتاب (۲)



عنوان: پرورش ابراز وجود

نویسنده: سو بیشاپ

مترجمان: دکتر مجتبی دلیر، فرزانه رسانه

انتشارات: ارجمند

سال نشر: ۱۳۹۸



درباره کتاب:

هر رفتاری نوعی ارتباط است. برقراری ارتباط جزء جدایی‌ناپذیر از وجود است. انواع ارتباط شامل ارتباط با خود، خلق، خلقت و خداست. کلید قفل اکثر نیازهای فردی هم در دست دیگران است، پس برای رفع نیاز به برقراری ارتباط محتاجیم. از طرفی، چون نیازها به صورت دوره‌ای آشکار می‌شوند، نه تنها نیازمند برقراری ارتباط هستیم بلکه به حفظ ارتباط هم محتاجیم. مهارت ابراز وجود در روابط مردمی حامی حفظ ارتباط است. بنابراین، ابراز وجود مهم‌ترین مهارت ارتباطی است. خوشبختانه می‌توان این مهارت را آموخت. ابراز وجود درباره ارتباط مؤثر است و این فقط به معنی انتخاب واژگان درست در سخن گفتن در شرایطی خاص نیست. لحن صدا، زیر و بمی، بلندی، بیان چهره‌ای، وضع اندامی و زبان بدن همگی بخشی از پیام شما هستند که برای شخص دیگر ارسال می‌کنید، و در صورتی که همه این بخش‌ها با هم هماهنگ نباشند، شما یک پیام مبهم ارسال خواهید کرد. به طور کلی اگر خود یا طرف مقابل‌تان را کم اهمیت بدانید، سبک ارتباطی‌تان قاطعانه نخواهد بود. اگرچه در برخی اوقات انتخاب می‌کنید که منفعل باشید، یا پرخاشگری کنید، اما یک پاسخ قاطعانه، همواره ترجیح داده می‌شود و به موقعیت برد-برد منجر می‌گردد که در آن هر دو طرف ارتباط احساس خوبی نسبت به خودشان خواهند داشت. مهارت ابراز وجود آموختنی است. بدین منظور در این کتاب رویکردها و فنون متنوع و پرکاربردی مطرح شده است.



اثر خود را معرفی کنید

همکاران فرهیخته در صورتی که مایل هستید کتاب شما در خبرنامه رسمی و پایگاه اینترنتی انجمن روان‌شناسی اجتماعی ایران معرفی شود لطفاً یک نسخه از اثر خود را به آدرس تهران، خیابان کریم‌خان زند، نبش آبان شمالی، ساختمان دانشگاه علامه طباطبائی (ره)، طبقه دوم، اتاق ۲۰۹ دفتر انجمن روان‌شناسی اجتماعی ایران ارسال نمایید.

شماره تماس جهت هماهنگی ۸۱۰۳۲۲۱۳





شماره جدید نشریه‌های انجمن



www.socialpsychology.ir

فصلنامه پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی

شماره ۳۱ فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی منتشر شده و شماره ۳۲ به‌زودی منتشر خواهد شد. از همه پژوهشگران گرامی دعوت می‌شود تا مقالات پژوهشی خود را (فقط در زمینه‌های مرتبط با روان‌شناسی اجتماعی) به سایت این نشریه به نشانی اینترنتی www.socialpsychology.ir ارسال نمایند.

جهت دریافت رایگان مقالات این فصلنامه به نشانی پایگاه اینترنتی فوق مراجعه بفرمایید.



فهرست مقالات چاپ شده در شماره ۳۱

- ۱- افکار خودکشی در دانش‌آموزان پسر: نقش خودپنداره، عزت‌نفس و بهزیستی اجتماعی
- ۲- تحلیل وضعیت فساد اداری بر اساس سلامت روان با نقش میانجی‌گری بهزیستی روان‌شناختی (مدل‌یابی معادلات ساختاری)
- ۳- بررسی مدل علی خردمندی: تبیین اثر شخصیت و خودکارآمدی مقابله
- ۴- نقش پیش‌بینی‌کنندگی باورهای فراشناختی، ذهن آگاهی و ترس از ارزیابی منفی در اضطراب اجتماعی نوجوانان
- ۵- تأثیر نوع وبگردی و محیط فروشگاه بر خرید آنی آنلاین در شهر یزد با استفاده از مدل‌سازی معادلات ساختاری
- ۶- پیش‌بینی گرایش به خیانت بر اساس ویژگی‌های شخصیتی و سبک‌های دلبستگی در افراد متأهل
- ۷- اثربخشی آموزش خودمتمایزسازی بر پریشانی روان‌شناختی و سازگاری اجتماعی نوجوانان طلاق



دوفصلنامه شناخت اجتماعی

چهاردهمین شماره دوفصلنامه شناخت اجتماعی (پاییز و زمستان ۱۳۹۷) نیز با همکاری دانشگاه پیام‌نور و انجمن روان‌شناسی اجتماعی ایران به چاپ رسیده و علاقمندان می‌توانند از مقالات علمی- پژوهشی آن استفاده کنند. نشانی اینترنتی این نشریه جهت ارسال مقاله <http://sc.journals.pnu.ac.ir> است.





شرایط عضویت در انجمن

علاقه‌مندان به عضویت در انجمن روان‌شناسی اجتماعی ایران لازم است تا از طریق وب‌سایت انجمن به صورت آنلاین اقدام نمایند و یا به صورت حضوری به یکی از دفاتر انجمن مراجعه نمایند. برای تمدید عضویت سالانه نیز لطفاً کارت عضویت و فیش بانکی را به دفتر انجمن پست نموده و یا به صورت حضوری مراجعه نمایید.

مبلغ حق عضویت

مطابق مصوبه مجمع عمومی انجمن روان‌شناسی اجتماعی ایران که در مورخه ۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۱ در محل دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران برگزار شد، مبلغ حق عضویت را به شرح زیر اعلام می‌نماید:

عضویت پیوسته

موسسان انجمن، کلیه افرادی که حداقل دارای درجه کارشناسی‌ارشد در رشته روان‌شناسی اجتماعی و رشته‌های وابسته باشند می‌توانند به عضویت پیوسته انجمن درآیند. (حق عضویت سالانه یکصد و پنجاه هزار ریال)

عضویت وابسته

اشخاصی که دارای درجه کارشناسی هستند و به مدت پنج سال در یکی از رشته‌های وابسته شاغل باشند می‌توانند به عضویت وابسته انجمن درآیند. (حق عضویت یکصد هزار ریال)

عضویت دانشجویی

کلیه دانشجویانی که در رشته‌های روان‌شناسی، علوم تربیتی، جامعه‌شناسی، و مدیریت و رشته‌های نزدیک با کارت معتبر مشغول به تحصیل باشند می‌توانند به عضویت انجمن درآیند. (حق عضویت یکصد هزار ریال)



همکاری در تدوین خبرنامه



خبرنامه انجمن روان‌شناسی اجتماعی ایران همانند گذشته در نظر دارد مطالب و اخبار روزآمد در زمینه روان‌شناسی و به‌ویژه روان‌شناسی اجتماعی ارسال شده توسط شما را با نام خودتان در شمارگان آتی درج نماید، لذا از تمامی اساتید، همکاران، دانشجویان، و سایر علاقمندان دعوت می‌شود مطالب خود را در زمینه‌های زیر به رایانامه ذیل ارسال نمایند.

- ۱- اخبار پژوهش‌های روزآمد روان‌شناسی (به‌ویژه روان‌شناسی اجتماعی)
- ۲- اخبار همایش‌ها و کنگره‌های روان‌شناسی (ملی و بین‌المللی)
- ۳- اخبار چاپ کتاب‌های روان‌شناسی اجتماعی (و حوزه‌های مرتبط)
- ۴- چکیده پایان‌نامه‌های تحصیلات تکمیلی در حوزه روان‌شناسی اجتماعی
- ۵- اخبار رویدادهای حرفه‌ای روان‌شناسی (به‌ویژه روان‌شناسی اجتماعی)
- ۶- اخبار چاپ نشریه‌های علمی - پژوهشی روان‌شناسی



۷- اخبار نتایج پژوهش‌های نوین ملی و بین‌المللی روان‌شناسی (با تأکید بر حوزه روان‌شناسی اجتماعی)

۸- معرفی نشریه‌های جدید روان‌شناسی (روان‌شناسی اجتماعی و شخصیت)

۹- معرفی سایت‌های علمی در حوزه روان‌شناسی اجتماعی

و سایر مطالب روزآمد حوزه حرفه‌ای روان‌شناسی (به‌ویژه روان‌شناسی اجتماعی) که خواستار به اشتراک گذاشتن آن‌ها با دیگر همکاران هستید.

dalirasp@gmail.com





خبرنامه تابستان ۱۳۹۸ انجمن روان‌شناسی اجتماعی ایران

تابستان‌تان شاد



IRANIAN ASSOCIATION OF SOCIAL PSYCHOLOGY